

آدم‌های خوشبخت
کتاب می‌خوانند
و تهره می‌نوشند

آنیس مارتین لیکن

ابوالفضل الله دادی

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

یادداشت

موضوع

شماره افزوده

ردیف کنفره

هیند دیویی

شماره کتابشناسی ملی

مارتن-لوگان، آنیس Martin-Lugand, Agnes

آدم‌های خوشبخت کتاب می‌خوانند و قهوه می‌نوشند / آنیس مارتن-لوگان؛ ترجمه ابوالفضل الله‌دادی
تهران: بهنگار، ۱۳۹۴.

۲۰۸ ص: ۱/۵۵۱۴/۵ - س.م.

۸-۸۰-۶۸۳۵-۶۰۰-۹۷۸

فیفا

عنوان اصلی: les gens heureux lisent et boivent du cafe

داستان‌های فرانسه - قرن ۲۱ م.

الله‌دادی، ابوالفضل، ۱۳۶۱ - مترجم

PQ ۲۷۱۸ / الف ۴۴۴ ۱۳۹۴

۸۴۳/۹۲

۴۰۸۰۳۴۰



انتشارات

بهنگار

آدم‌های خوشبخت کتاب می‌خوانند و قهوه می‌نوشند

نویسنده: آنیس مارتن-لوگان

مترجم: ابوالفضل الله‌دادی

ویراستار: دلناز سالاربهزادی

صفحه‌آرایی و اجرای جلد: رها فتاحی

گروه تولید: مؤسسه فرهنگی و هنری کوزه هنر و اندیشه

ناظر چاپ: آرین امیرعلایی

چاپ: غزال | لیتوگرافی: نقش سبز | صحافی: تندیس

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپ اول: بهار ۱۳۹۵

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۸-۸۰-۶۸۳۵-۶۰۰-۹۷۸

انتشارات بهنگار: خیابان ولیعصر، بالاتر از خیابان شهید بهشتی، پلاک

۲۲۳۰، برج سپهرساعی، طبقه سوم، واحد ۳۰۱

تلفن: ۸۸۴۸۲۲۹۳ و ۸۸۴۸۲۲۴۹

info@behnegarpub.com

حق چاپ و انتشار محفوظ و متعلق به انتشارات بهنگار است.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان قرار دارد.

مقدمه مترجم

داستان انتشارِ رمانِ آدم‌ها، خوشبخت کتاب می‌خوانند و قهوه می‌نوشند به نوعی با درون‌مایه‌ی ماجراجویی که در آن خود کتاب می‌گذرد، بی‌شباهت نیست. وقتی آیس مارتین لوگان کتاب را به میان می‌رساند، نسخه‌ی ابتدایی آن را برای چهار ناشر در پاریس می‌فرستد و مدت‌ها انتظار می‌کشد تا اینکه سرانجام پس از شش ماه دو ناشر به او پاسخ می‌دهند؛ پاسخ‌هایی منفی و ناامیدکننده! مارتین لوگان در داستان تغییراتی می‌دهد تا به نسخه‌ای می‌رسد که ایده‌آلش است. با این حال، وقتی داستان برای خودش نهایی می‌شود، پرسشی ذهنش را درگیر می‌کند: آیا باید دوباره کتاب را برای ناشران بفرستد و ماه‌ها و ماه‌ها انتظار بکشد؟ خودش می‌گوید بیش از هر چیز دوست داشته کتابش خوانده شود و واکنش خوانندگان را نسبت به رمانش بداند. پس تکنولوژی به یاری او می‌آید: کتاب را به صورت الکترونیک در وبسایت‌هایی همچون آمازون و با قیمتی اندک منتشر می‌کند. سه هفته بعد، آدم‌های خوشبخت کتاب می‌خوانند و قهوه می‌نوشند

با فروش سه‌هزار نسخه‌ای به صدر پرفروش‌ترین کتاب‌های الکترونیکی آمازون می‌رسد.

این استقبال باعث می‌شود انتشارات «میشل لافون» به خانم نویسنده پیشنهاد دهد که کتاب را به‌صورت کاغذی چاپ کند. مارتن‌لوگان با بیان شروطی با انتشار کتاب موافقت می‌کند: «وقتی پیشنهاد آن‌ها را شنیدم سه شرط داشتم: این که عنوان کتاب عوض نشود. دوم اینکه در متن داستان هیچ تغییری داده نشود. سوم آنکه جلد کتاب همان چیزی باشد که خودم انتخاب کرده‌ام.» از شارلوت شرط‌های مارتن‌لوگان را می‌پذیرد و کتاب چاپ می‌شود. اتفاق‌های بعدی همان‌طور می‌دهد که مدیران میشل لافون در چاپ این کتاب اشتباه نکرده‌اند. موفقیت نسخه کاغذی کتاب بسیار فراتر از پیش‌بینی حتی خود آنیس مارتن‌لوگان بود: آدم‌های خوشبخت کتاب می‌خوانند و قهوه می‌نوشند بیش از سیصد هزار نسخه در فرانسه به‌فروش رفته و مارتن‌لوگان را به یکی از پرخواننده‌ترین نویسندگان جدید فرانسه تبدیل کرده است. استقبال از این کتاب به حدی بوده که مارتن‌لوگان رمان دیگری را در انتشارات میشل لافون منتشر کرده است که به نویسنده همین داستان است. این کتاب که سومین اثر اوست، زندگی آسان است. گراز بی‌اش نام دارد و امیدوارم فرصتی مهیا شود که بتوانم آن را نیز به فارسی ترجمه کنم. علاوه بر این، هالیوود حق اقتباس آدم‌های خوشبخت کتاب می‌خوانند و قهوه می‌نوشند را خریداری کرده و آنیس مارتن‌لوگان به‌زودی شخصیت‌هایش را روی پرده نقره‌ای خواهد دید. اما فصل مشترک نویسنده کتاب و شخصیت اول آن، امید بازیافته است. وقتی ناامیدی از پاسخ منفی ناشران می‌توانست باعث شود که مارتن‌لوگان شاید برای همیشه از این عرصه کنار برود، تصمیمی درست او را نجات داد و توانست نامش را سر زبان‌ها بیندازد. در رمان نیز «دایان» پس از اتفاقی تلخ همه‌چیز را برای خود تمام‌شده می‌داند، اما تصمیمی مناسب او

را به روند عادی زندگی باز می‌گرداند. آنیس مارتین-لوگان روان‌شناسی خوانده و مادر دو فرزند است. او که متولد ۱۹۷۹ میلادی است، هم‌اکنون در «روئن» در شمال غربی فرانسه، زندگی می‌کند. مارتین-لوگان در این کتاب، با تکیه بر تحصیلات دانشگاهی خود، کوشیده است نشان دهد که ماتم تا چه اندازه می‌تواند انسان را ویران کند. با این حال او در پایان داستان ثابت می‌کند که در پس هر سیاهی نوری می‌درخشد؛ نوری از جنس امید. به همین دلیل است که مارتین-لوگان در مصاحبه‌ای با روزنامه فیگارو می‌گوید: «باید کمی بیشتر به زندگی بچند».